



وقتی به فکر پاسدارها می‌افتم، از خودم خجالت می‌کشم

من وقتی (به) فکر این پاسدارهایی (می‌افتم) که در آن گرمای شدید خوزستان، برای اسلام خدمت می‌کنند، واقعا از خودم خجالت می‌کشم که ما چه هستیم و آن‌ها چه هستند، ما چه کاره‌ایم و آن‌ها چه کاره‌اند. آن‌ها تهذیب شدند - تا اندازه‌ای البته - و ما ماندیم .

فرازهایی از فرمایشات امام به مناسبت روز پاسدار

وقتی به فکر پاسدارها می‌افتم، از خودم خجالت می‌کشم

من وقتی (به) فکر این پاسدارهایی (می‌افتم) که در آن گرمای شدید خوزستان، برای اسلام خدمت می‌کنند، واقعا از خودم خجالت می‌کشم که ما چه هستیم و آن‌ها چه هستند، ما چه کاره‌ایم و آن‌ها چه کاره‌اند. آن‌ها تهذیب شدند - تا اندازه‌ای البته - و ما ماندیم .

سوم شعبان المعظم؛ روز پاسداری از مکتب اسلام

روز مبارک سوم شعبان المعظم را که روز طلیعه پاسدار و پاسداری از مکتب متری اسلام است، به عموم هم‌میهنان و بخصوص پاسداران انقلاب اسلامی تبریک عرض (می‌کنم) و به حق باید این روز معظم را 171#& روز پاسدار؛ بنامیم؛ روز ولادت با سعادت بزرگ پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز است؛ پاسداری که هر چه داشت، در راه هدف اهدا کرد و اسلام عزیز را از پرتگاه انحراف رژیم طاغوتی بنی‌امیه نجات داد. (1)

روز ولادت حضرت سیدالشهدا(ع)؛ روز پاسدار

روز مبارک سوم شعبان المعظم، روز پاسدار است و روز تحقق پاسداری از اسلام، از حقیقت، از مکتب الهی، روز تولد بزرگ پاسداری که با خون خود و فرزندان و اصحابش مکتب را زنده کرد. (2) چه انتخاب خوبی است که روز ولادت حضرت سیدالشهدا(ع) روز پاسدار نامیده شده است. امیدوارم همانگونه که امام حسین(ع) با خون خود اسلام را زنده کرده، شما به تبعیت از او، انقلاب و اسلام را ضمانت نمایید. (3)

به یاد پاسداران عاشورا

اینک که پاسداران، این روز بزرگ پربرکت جاوید را روز پاسدار اعلام نموده‌اند، مسؤولیتی بس بزرگ و تکلیفی بس عظیم را عهده‌دار شده‌اند، گویی آنان به یاد پاسداران عاشورا و انگیزه جانفشانیها و فداکاریهای کربلا، این روز را انتخاب نمودند و نیکو انتخابی است و بزرگ مسؤولیتی. نیکو است که ادامه خون سرخ تشیع را تداعی می‌کند و پر مسؤولیت است که انگیزه آن فداکاری و جانبازی آن چنان لطیفه الهی دارد که آن خون را 171#& ثار الله؛ و از مرزهای حجب نور و ظلمت فراتر برده و از خودیها و خودبینیها پیراسته و به مرز 171#& العبودیة جوهره کنها الربوبیة؛ رسانده و آراسته و دست ما از آن کوتاه است. لکن مأیوس نشوید و کوشش کنید تا به کوشش خویش رنگ اسلامی- الهی بیشتری دهید و به فداکاری خویش اخلاصمندتر باشید که بحمد الله هستید. (4)

مثل جوانهای صدر اسلام

شماها امروز فرزندان اسلام هستید، شماها امروز فرزندان رسول خدا(ص) هستید. خدمت به دیانت اسلام می‌کنید و در راه خدا قیام کردید. پاسداران قرآن کریم هستید، پاسداران اسلام مقدس هستید. (5) شما پاسداران به حق اسلامید، شما مثل جوانهای صدر اسلام هستید، شما اسلام را نجات دادید. باید از این به بعد هم پاسداری کنید که این انقلاب به ثمر واقعی‌اش برسد. (6) شما پاسداران انقلاب اسلامی، به اسلام حق پیدا کردید. شما مثل سربازان صدر اسلام که با جان و دل و با عشق و علاقه به اسلام خدمت کردند، به اسلام خدمت کردید و می‌کنید. من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی همان اجری را که به پاسداران در صدر اسلام عنایت فرموده است، به شما برادران عزیز عنایت فرماید. شما در این انقلاب اسلامی و در این نهضت اسلامی سهم به‌سزایی دارید. (7)

ارزش آن‌ها از نماز هم بیشتر است

پاسداری که برای خدا خدمت می‌کنند، ارزش آن‌ها از نماز هم بیشتر است، ارزش مسلسل آن‌ها از قلم هم در آن وقت بیشتر خواهد شد. (8)

اگر این‌ها مسلمانند، پس من چه گویم؟!

من گاهی وقتی این‌ها را، این اجتماعاتشان و این تعهدشان را (که) می‌بینم، برای خودم حقارت قائل می‌شوم؛ اگر این پاسداری است که در کنار سنگر نماز شب می‌خواند و جان‌ش را در محل خطر قرار می‌دهد، اگر این سربازی است که در جبهه جان خودش را در خطر می‌بیند و نماز شبش را می‌خواند و وصیت می‌نویسد - آن طور وصیت‌ها - اگر این‌ها مسلمان هستند، خوب، من چه می‌گویم؟ (9)

از خود خجالت می‌کشم

من وقتی (به) فکر این پاسداری‌هایی (می‌افتم) که در آن گرمای شدید خوزستان، برای اسلام خدمت می‌کنند، واقعا از خودم خجالت می‌کشم که ما چه هستیم و آن‌ها چه هستند، ما چه کاره‌ایم و آن‌ها چه کاره‌اند. آن‌ها تهذیب شدند - تا اندازه‌ای البته - و ما ماندیم در این صف نعال. (10)

ای کاش من هم یک پاسدار بودم

امروز صبح بعد از ملاقات با تنی چند از پاسداران، به این فکر افتادم که «ای کاش من هم یک پاسدار بودم«؛ این‌ها چه می‌کنند و من چه کار. آن‌ها می‌روند با دشمن اسلام می‌جنگند و من در اینجا هستم و نمی‌توانم.

شما قدر خودتان را بدانید، خداوند به شما عنایت داشته است که شما را مهیا کرده است تا قرآن کریم و اسلام عزیز و میهن اسلامی را حفظ کنید. (11)

تا رَمق در جسم و جان دارم

من که وظیفه‌ام دعاگویی و سپاس و تشکر از همه سپاهیان و بسیجیان و ارتشیان است، باید به همه نیروهای مسلح کشور و به شما (سپاهیان) اطمینان بدهم که تا من زنده هستم و تا رَمق در جسم و جان دارم، از حمایت و دعای خیر برای شما دریغ نخواهم کرد و شما را از بهترین عزیزان و همراهان خود می‌دانم و همان‌گونه که در ایام جنگ در کنار شما بوده‌ام و شاید یکایک شما محبت و ارادت من را به خود احساس کرده‌اید، بعد از این نیز چنین خواهم بود. شما آیینه مجسم مظلومیت‌ها و رشادتهای این ملت بزرگ در صحنه نبرد و تاریخ مصور انقلابید. شما فرزندان دفاع مقدس و پرچمداران عزت مسلمین و سپر حوادث این کشورید. شما یادگاران و همسنگران و فرماندهان و مسؤولان بیداردلانی بوده‌اید که امروز در قرارگاه محضر حق مأوا گزیده‌اند. (12)

یک شرافت و یک مسؤولیت

شما امروز با سمت پاسداری در جمهوری اسلامی، یک شرافت زیاد و بزرگ دارید و یک مسؤولیت بزرگ. اما شرافت برای این‌که خدمتگزار به دین اسلام شریف است و اما مسؤولیت برای این‌که شمایی که برای اسلام هستید و سرباز اسلام هستید، باید همه چیزتان را اسلامی کنید. خدای نخواستہ اگر چنانچه از سربازهای اسلام، به مردم یک تعدی بشود، یک چیزی واقع بشود، یک مکروهی واقع بشود، این پای اسلام حساب می‌شود. (13)

توقع من از همه پاسدارها

آن چیزی که از شما پاسدارها و سایر رفقای خودتان و همه پاسدارهای ایران، توقع دارم، این است که آن جهات لطیف اسلامی را حفظ کنید. انسان اگر آن جهت روحانیت اسلام را، آن جهت معنویت اسلام را حفظ نکند، یک آدم می‌شود صد تا؛ یک آدم می‌شود هزار تا. مالک اشتر یک نفر نبود، مالک اشتر یک آدمی بود که یک لشکر بود و بیشتر. حضرت امیر - سلام الله علیه - یک نفر نبود؛ همه عالم بود، همه چیز بود؛ روی آن جهات معنویت و واقعیتی که داشت. انسان مادامی که توجهش به همین مادیات دنیا و جهات پایین است، یک نفر است؛ آن هم یک نفر حیوان! ما با حیوانات در این معنا شرکت داریم که همه می‌خوریم و می‌خواهیم؛ این کارهای حیوانی را می‌کنیم. آئی که امتیاز می‌دهد شما را و همه ما را از حیوانات، آن معانی است که در انسان موجود است؛ بالقوه موجود است و باید بالفعل بشود. آن حظ الهی و روحانی است که در انسان موجود است و باید رشد بدهد. اگر چنانچه آن حظ معنوی را رشد دادید، یکی‌تان یک فوج می‌شوید. (14)

شرط پاسداری از اسلام

شما آقایان که الآن پاسدار انقلاب هستید، یعنی «انقلاب اسلامی؛ همان طوری که از انقلاب پاسداری می‌کنید، تکلیف بالاتر این است که از اسلام پاسداری بکنید و آن به این است که از خودتان پاسداری بکنید. از هواهای نفسانی خودتان، از شهوات خودتان، از میلهایی که میلهایی است که در هر انسانی هست و میل شیطانی است، از این‌ها پاسداری کنید؛ به طوری که وقتی که شما پاسدارها را مردم می‌بینند یا آن چشمهایی که می‌خواهند یک اشکالی بکنند ببینند، ببینند که شما مردمی هستید که سلامت هستید؛ در عین حالی که قدرت دارید، در عین حالی که با اشخاصی که فاسدند، قدرتمندی هم نشان می‌دهید، لکن با مردم رحیم هستید، با مردم رفیق هستید. (15)

به وظایف پاسداری عمل کنید

شما تا صبح بیدارید و از این مردم پاسداری می‌کنید و برای خدا است و در خطر هم هستید؛ چه چیزی بالاتر از این، لکن کاری بکنید که مقبول درگاه خدا باشید، این زحمتهای شما خدای نخواست هدر نرود و آن این است که به وظایف پاسداری عمل بکنید و آن این است که خودتان پاسدار خودتان هم باشید. این جنود ابلیسی که به باطن انسان هجوم می‌کنند، پاسداری کنید، نگذارید؛ ردشان کنید، طردشان کنید، نگذارید که وسوسه بکنند شیاطین و خدای نخواست یک عملی از شما صادر بشود که اجر شما را از بین ببرد. شما خیلی اجر دارید پیش خدا، نگذارید این از بین برود. (16)

پاسدار خودتان باشید تا پاسدار اسلام باشید

شما جوانها که پاسدار جمهوری اسلامی هستید، وظیفه‌تان زیاد (است) و شغل‌تان شریف. شغل شریف؛ برای این که پاسداری از اسلام، یک شغل بسیار شریفی است و مسؤولیتش هم زیاد است. باید حفظ کنید این حدود و ثغور اسلامی را. فقط این نباشد که ما پاسدار هستیم و خدای نخواست به وظایفی که پاسداران باید عمل بکنند، خدای نخواست نکنیم. باید همان طوری که مدعی هستیم، ما که ما پاسدار هستیم و پاسدار جمهوری اسلام و پاسدار احکام اسلام هستیم، باید خودمان ابتداءً مرزمان همان مرز اسلام باشد، راهمان همان راه مستقیم اسلام باشد، تا این ادعای ما پیش خدا قبول بشود. کسی که خودش بر خلاف اسلام عمل می‌کند، نمی‌تواند بگوید من نگهبان هستم.

کوشش کنید برادرها که خودتان را اصلاح کنید و پاسداری از خودتان بکنید. پاسداری از خودتان که کردید، پاسداری‌تان از جمهوری اسلامی پیش خدای تبارک و تعالی مقبول است و ارزشمند؛ بسیار ارزشمند. (17)

- (1) صحیفه امام، ج 8، ص 305
- (2) صحیفه امام، ج 12، ص 441
- (3) صحیفه امام، ج 12، ص 441 - 442
- (4) صحیفه امام، ج 14، ص 407
- (5) صحیفه امام، ج 11، ص 355
- (6) صحیفه امام، ج 6، ص 315 - 316
- (7) صحیفه امام، ج 6، ص 536
- (8) صحیفه امام، ج 13، ص 451
- (9) صحیفه امام، ج 15، ص 19
- (10) صحیفه امام، ج 18، ص 503
- (11) صحیفه امام، ج 15، ص 496
- (12) صحیفه امام، ج 21، ص 133 - 134
- (13) صحیفه امام، ج 9، ص 220
- (14) صحیفه امام، ج 7، ص 478
- (15) صحیفه امام، ج 8، ص 380
- (16) صحیفه امام، ج 8، ص 372 - 373
- (17) صحیفه امام، ج 8، ص 279 - 280